

رمز گشایی از کابینه پیشنهادی پزشکیان

ملاحظات‌ی درباره سیاست‌نهادی در ایران امروز



ابوالفضل دلآوری

استاد علوم‌سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

ترکیب کابینه معرفی شده از سوی رئیس‌جمهور جدید به مجلس، واکنش‌های انتقادی وسیع و شدیدی به‌ویژه در میان حامیان تحول‌خواه ایشان برانگیخته است. آنها وزرای اعلامی به‌ویژه در چند وزارتخانه کلیدی را غیرمنتظره و در تعارض با رویکرد و وعده‌های انتخاباتی و حتی سازوکارهای پیشنهادی خود ایشان برای شناسایی، ارزیابی و معرفی وزرا می‌دانند. این موضوع به همراه طعنه‌های مخالفان درون‌سیستمی و برون‌سیستمی رئیس‌جمهور جدید و انتخابات اخیر، موجی از ناامیدی و سرخوردگی ایجاد کرده است. این وضعیت برای شرایط شکننده کشور و دولت جدید بسیار خطرناک است. در چنین شرایطی، خرد سیاسی حکم می‌کند که با بازشناسی واقع‌بینانه‌تری از شرایط ایجادشده، طرح و راهبرد سازنده‌تری در دستور کار تحول‌خواهان درون‌سیستمی دنبال شود. در این نوشتار، برخی نکات مطرح می‌شود؛ شاید به کار آید.

۱ در نظام دوپایه (هیبریدی) ایران امروز که نهادهای انتصابی و نیروهای نظامی-امنیتی در آن دست بالا را دارند، هیچ تغییر و تحول و اصلاحات درون‌سیستمی جز با همراهی مراکز اصلی و بالادستی قدرت، سرانجام موفق و پایداری ندارد و چه‌بسا باعث مقاومت و واگشت روند تغییرات شود؛ به‌ویژه در مواردی که این مراکز به دلایل ایدئولوژیکی یا امنیتی، از تغییرات خارج از کنترل خود اجتناب می‌کنند.

۲ ترکیب لیستی که سرانجام به مجلس ارائه شد، نه اتفاقی بود، نه غیراندیشیده‌شده و نه غیرقابل فهم. این ترکیب علاوه بر خروجی نسبی شورای راهبری خود رئیس‌جمهور، محصول چندین روز رایزنی و صلاح‌دید ایشان و همکاری با مقامات و مراکز اصلی قدرت است.

۳ به نظر نگارنده، این لیست کاملاً با رویکرد و استراتژی کلی «نظام» (مراکز اصلی قدرت) منطبق و سازگار است. با نگاهی به لیست اعلامی، به‌سادگی درمی‌یابیم که وزرای مرتبط با بخش‌های زیربنایی، اقتصادی، معیشتی و سیاست خارجی نشانه‌هایی از اراده برای تغییر وضع موجود دارند؛ اما وزرای بخش‌های نظامی، امنیتی و سیاست داخلی (اعم از فرهنگی، اجتماعی و مدنی) نشان از چنین اراده‌ای دست‌کم در حال حاضر ندارند و بیانگر اراده نظام برای تداوم نسبی وضع موجود است. به عبارت دیگر، گویا نظام خواهان تغییرات محسوس و معنادار در بخش‌های نخست - آن‌هم با استفاده از تکنوکرات‌های جدید - است؛ اما هنوز از تغییرات خارج از کنترل خود در بخش‌های دوم نگران است و بنابراین، بر حضور وزرایی محافظه‌کار و یا نزدیک به محافظه‌کاران اصرار داشته است.

۴ فراموش نباید کرد که مراکز اصلی قدرت طی ۲۷ سال اخیر و تا قبل از انتخابات اخیر، به دلایل متعددی (که جای بحث آن اینجا نیست) اصولاً و به‌طور کلی، راهبرد مقاومت در مقابل تغییر در اغلب عرصه‌ها و حتی واگشت به یکدست‌سازی حکومت حول محور محافظه‌کاران و کنترل فضای سیاسی را دنبال می‌کرده است.

۵ آنچه در این انتخابات اتفاق افتاد، در وادی امر یک پروژه اضطراری درون‌سیستمی به‌نظر می‌رسد (که در اینجا با انگیزه‌ها و اهداف احتمالی آن کاری نداریم). اما فرصتی که این انتخابات ایجاد کرد، در ترکیب با تحرک و تلاش بخشی از نیروهای تحول‌خواه که آن را یک فرصت سیاسی دیدند و با کمک یک موج کوتاه از کنش انتخاباتی سلبی بخشی از مردم (جلوگیری از انتخاب رقیب) به پیروزی کاندیدایی انجامید که نویدهایی کلی برای تغییر در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی می‌داد.

۶ پس از انتخاب رئیس‌جمهور جدید موج بلندتری از انتظارات برای تحول و تغییر در میان مردم و به‌ویژه حامیان او ایجاد شد. بخش بزرگی از این انتظارات، ناشی از شدت و انباشتگی مسائل و بحران‌های موجود در عرصه‌های مختلف و استیصال بسیاری از نیروهای اجتماعی و سیاسی بود که اندک شانس برای نجات را در این فرصت می‌جستند. بخشی از آن هم بعد از انتخابات در اثر سازوکار ایتکاری اعلامی برای انتخاب وزرا سرچشمه گرفت که این تصور را در میان این نیروها ایجاد کرد که گویا همه‌چیز در حال تغییر است. البته، روحیه و ذهنیت رومانتیک دیرپای موجود در این جامعه و سرزمین هم در خیزش این انتظارات‌فراپنده‌ی تأثیرنیود. به این ترتیب، این انتخابات بیش از آنچه در واقعیت‌ها و اهداف و ظرفیت فعلی نظام مستقر می‌گنجید، انتظارآفرین شد. تا جایی که بخشی از گروه‌های فعال در انتخابات که سهم‌بزرگی هم در نتیجه انتخابات داشتند، انتظار خروجی بزرگ و سریعی همتای الگوومیزان تلاش و تقاری خود داشتند. به عبارت دیگر، بسیاری از این نیروها فضای برآمده از این انتخابات را گاه در حد یک انقلاب درون‌سیستمی تلقی می‌کردند! در حالی که در واقع، چیزی بیشتر از یک فرآیند نهادی، البته با تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای نسبت به چند انتخابات اخیر نبود. بنابراین، باید آن را در چارچوب ساختار قدرت و ترتیبات نهادی مستقر دید و ارزیابی و انتظارآفرینی کرد.

۷ آنچه در بالا گفته شد، ابعاد مختلف واقعیت‌هایی است که نپذیرفتن آنچه برای دولت جدید و حامیان و چه برای مراکز اصلی قدرت و چه جریان‌های سیاسی رقیب

درون‌سیستمی و برون‌سیستمی مشکل‌ساز خواهد شد.

۱-۷: انتظارات‌فراپنده و فربه‌شده موجود ممکن است به‌زودی در بر خورد با محدودیت‌های واقعاً موجود، باعث ناامیدی و سرخوردگی و انفعال بخش بزرگی از نیروهایی شود که بعد از یک دوره ناامیدی در سال‌های گذشته به فرصت پیش‌آمده دل بستند و الحاق که قدر آن را هم دانستند و تلاش کردند در پلان اول موفق شوند. اما همانطور که در اولین مرحله پلان دوم با چیزی بسیار متفاوت از انتظارات‌شان مواجه شدند؛ در صورتی که در پلان دوم با ناکامی کابینه در زمینه طراحی و اجرای برنامه‌های لازم‌ومناسب و تحقق تغییرات وعده داده‌شده مواجه شوند، با شدت و گستره بیشتری ناامید و ناراضی و حتی عصبانی خواهند شد.

۲-۷: ادامه مقاومت در مقابل تغییرات لازم و ضروری از سوی مراکز اصلی قدرت چه در عرصه‌های روابط خارجی و اوضاع اقتصادی و معیشتی و چه به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، مدنی و فضای سیاسی داخلی، موجب تشدید مشکلات و بحران‌ها و به‌تبع آن، افزایش نارضایتی‌ها علیه کل سیستم خواهد شد. نباید این موضوع را فراموش کرد که بنا به سرشت سیستمی مسائل اقتصادی و امنیتی، هر اصلاح و تغییر مثبت در آن حوزه‌ها به‌شدت نیازمند بازسازی سرمایه‌های اجتماعی، انسجام‌ملی و ایجاد امید به آینده است و همه اینها در گروی اهتمام نظام به تغییرات مثبت و معنادار در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی است. چنین اصلاحات همه‌جانبه‌ای می‌تواند حتی بخش بزرگی از آن نیروهای اجتماعی و سیاسی را که همچنان از اصلاحات ناامید و با سیاست‌نهادی قهرزند، به عرصه سیاست‌نهادی بازگرداند. در غیر این صورت، همین گروه‌هایی هم که از پس یک دوره ناامیدی و انفعال سیاسی، دوباره به سیاست‌نهادی امیدوار شده‌اند؛ به بیرون‌نهادی کشیده خواهند شد و این وضعیت به احتمال زیاد، زمینه‌ساز امواج جدیدی از اعتراضات خیابانی خواهد شد.

۳-۷: دیگر نیروهای سیاسی چه رادیکال‌های برون‌سیستمی و چه درون‌سیستمی، نباید این تصور را در خود بیروانند که شکست دولت جدید و سرخوردگی حامیان‌ش لزوماً بیانگر حقانیت مواضع آنها و همچنین بالا رفتن احتمال توفیق راهبردهای آنها، اعم از انقلابی، براندازانه و واگشت‌گرایانه خواهد شد. چنین شکستی چه‌بسا پیامدهای بسیار خطیری داشته باشد که شکست همه طرف‌ها را در پی داشته باشد. (این موضوع بحث مستقلی‌رامی‌طلبد).

۸ با وجود همه اینها و ضمن درک بسیاری از انتظارات و تأیید بسیاری از نگرانی‌های بالا‌آوردگان و حامیان دولت جدید، به نظر می‌رسد همین کابینه معرفی شده هم به‌رغم همه نارسایی‌ها و ابهامات‌ش، خالی از ظرفیت تغییر حتی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و مدنی نیست. به احتمال زیاد، رئیس‌جمهور جدید با وقوف بر محدودیت‌های سیستمی موجود، برای ایجاد فرصت‌هایی جهت تحقق وعده‌های خود در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، مدنی و... چاره را در امیدبستن به مشارکت دادن نیروهای همسوم‌ومورد اعتماد کانون‌های اصلی قدرت دیده است. به عبارت دیگر، گویا ایشان در نظر دارد از راهبرد «ذینفع‌سازی» و «اجماع‌سازی» برای ایجاد همکاری نیروها و نهادهای مسلط استفاده کند. این راهبردها البته در برخی از الگوهای تحول و حل‌منازعه در کشورهای دیگر هم مطرح و تجربه شده است. اما اینکه در وضعیت فعلی ایران تا چه حدی موفق شود، به عوامل مختلفی بستگی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها تحکیم و تقویت پایگاه اجتماعی و حمایتی رئیس‌جمهور و تلاش و فشار منطقی و متناسب حامیان او برای تغییر است. اگر این شرط در کنار راهبرد اجماع‌سازی در بالا از سوی رئیس‌جمهور و تیم او برقرار بماند، چه‌بسا برخی تغییرات یا تحقق برخی وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور با همکاری نسبی مراکز قدرت و وزرای نزدیک به آن، محتمل‌تر و راحت‌تر از حضور افراد و نیروهای تراز تحول‌خواهی باشد. (البته جملات اخیر، نه یک پیش‌بینی بلکه یک سناریوی ممکن و محتمل است).

۹ در بدترین حالت و با فرض اینکه فعلاً اراده مراکز اصلی قدرت بر ادامه وضع موجود در عرصه‌های مورد اشاره باشد، مگر بخش کوچکی از نظام (قوه مجریه) آن‌هم اگر تحت‌فشار آن مراکز باشد، می‌تواند تغییرات معنادار و پایداری ایجاد کند. البته، نقش و تأثیر فشارهای اجتماعی و به‌اصطلاح نقش جنبش‌ها و شبه‌جنبش‌های اجتماعی برای تغییر و تحول موضوع دیگری است. اما تمرکز این نوشته بر «سیاست‌نهادی» است؛ نه «سیاست‌جنبشی» (که این دومی بحث مستقلی‌رامی‌طلبد).

۱۰ در پایان این نکته را یادآور شوم که با توجه به مجموعه شرایط فعلی، آنچه مهم‌تر و سازنده‌تر از نگرانی برای ترکیب کابینه و حتی محدودیت‌های تغییرات مطلوب است، همانا تلاش برای استمرار و تحکیم تغییرات ممکن است. سیاست‌عرصه ایجاد یا خلق فرصت‌های زیادی است، اما به شرط اینکه قدر آنها خوب دانسته شود.

اینکه با خیال یا وعده تحقق یکباره و سریع ازمان‌های بلند، فرصت‌های اندک برای تغییرات و انباشت تدریجی آنها قربانی شود؛ نه با منطق سیاسی و نه با عقل سلیم سازگار نیست و اگر در این مورد منافع و مسائل زندگی روزمره مردم در میان باشد، چنین رویکرد تخیلی یا کمال‌طلبانه در حوزه امر عمومی و سیاسی، از نظر اخلاقی هم محل اشکال است. در پایان برای توفیق و سربلندی رئیس‌جمهور جدید (و همکاران و همراهانش) یاری خداوند‌رامی‌طلبم و برادرانه همه دغدغه‌مندان کشور و مردم را به همکاری و حمایت از او می‌خوانم.

دعوت پزشکیان به صبر و انتظار



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

اصلاح‌طلبان میانه‌رو هستند، مانند محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور که در شبکه ایکس نوشت: «طی روزهای اخیر که افتخار حضور در مراسم معارفه همکارانم در دولت را داشتم دو خواسته اصلی را مطرح کردم: ۱) درانتخاب مدیران خود حتماً از جوانان و زنان شایسته استفاده کنند. ۲) لزوم تربیت جوانان متخصص برای تصدی مشاغل کلیدی چراکه نظام مدیریتی ما هیچ راهی جز پوست‌اندازی در این عرصه ندارد.» با این حال نه پزشکیان و نه عارف هیچ‌چیز به ضرورت حضور پرنرگ زنان و ایرانیان متعلق به اقلیت‌های مذهبی در کابینه پیشنهادی اشاره‌ای نکردند. یکی دیگر از حامیان رویکرد پزشکیان در انتخاب کابینه اما محمدجواد آذری جهرمی وزیر اسبق ارتباطات بود. او در شبکه ایکس نوشت: «انصاف این است که کابینه کار خود را آغاز کند و با عملکردش محک بخورد نه با گمانه‌ها...» عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی و مشاور روزنامه هم‌میهن اما معتقد است کسانی که دولت پزشکیان را دولت دوم رئیسی می‌دانند، هیچ شناختی از سیاست، دولت‌رئیس و دولت پزشکیان ندارند: «کابینه پزشکیان خوب خواهد بود مگر اینکه مجلس خرابش کند. با کابینه دولت قبلی اصلاً قابل‌قیاس نیست و با توجه به شرایط زمینه‌ای از دولت روحانی نیز قوی‌تر است.» او همچنین درباره متن منتشرشده از سوی ظریف هم تأکید می‌کند: «متن آقای ظریف از نظر من ابهام دارد. یک بخش آن مربوط به رئیس‌جمهور است که باید خودش حل کند. در بخشی هم که مربوط به ناتوانی شورای راهبری است هیچ قرینه‌ای بر برون‌داد ضعیف شورا وجود ندارد. در سطح بالاتر از شورای راهبری هم همه می‌دانستیم که ملاحظات سیاسی وارد خواهد شد.» با این حال هنوز برای بسیاری از رای‌دهندگان به پزشکیان مشخص نیست که چرا باید افرادی در کابینه جدید حضور داشته باشند که میزان کارآمدی‌شان پیش‌تر نزد شهروندان مشخص شده است. چرا باید به این افراد فرصتی دیگر داده شود تا سرنوشت مردم را به دست گیرند.

تلاش پزشکیان برای همراهی حلقه سخت قدرت

محمدمهاجری، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اصولگرا هم مانند پزشکیان معتقد است که باید مدتی صبر و نحوه تعامل اعضای کابینه با یکدیگر را مشاهده کرد. او به هم‌میهن می‌گوید، تیم اقتصادی کابینه به میزان قابل توجهی هماهنگ هستند؛ به این معنا که ناهمگونی در تیم اقتصادی دولت دیده نمی‌شود: «به نظر می‌رسد که آنچه در حال حاضر با آن مواجه هستیم وجود سه چهار وزیر پیش‌پیشنهادی است که از طرق به کارگرفته شده در شورای



تماس‌های تلفنی مقامات اروپایی با پزشکیان ادامه دارد

هشدارهای شبانه به ایران



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

روز دوشنبه سه تماس تلفنی میان **نخست‌وزیر بریتانیا، صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر ایتلیان** برقرار شد. یکشنبه نیز مسعود پزشکیان و **رئیس شورای اروپا** به صورت تلفنی صحبت کردند. چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته نیز **نخست‌وزیر ایتالیا و رئیس‌جمهور فرانسه** با رئیس‌جمهور کشورمان گفت‌وگو کردند. با توجه به مسائل مطرح‌شده، ترور اسماعیل هنیه پس از تحلیف پزشکیان و اعلام رسمی و چندباره پاسخ قطعی ایران به اسرائیل، به نظر می‌رسد که این تماس‌ها با هدف کنترل تنش در منطقه به‌خصوص وضعیت میان تهران و تل‌آویو گرفته می‌شود.

طی روزهای گذشته تحلیل‌هایی به نقل از مقامات آمریکایی در رسانه‌های این کشور منتشر شده بود که از حمله قریب‌الوقوع ایران در روز دوشنبه خبر می‌داد. تماس‌های تلفنی روز دوشنبه سه مقام اروپایی که دو نفر از آن‌ها (رئیس شورای اروپا و نخست‌وزیر بریتانیا) جایگاه سیاسی بالایی دارند، نشان‌دهنده وجود نگرانی‌های عمیق از نوع پاسخ ایران و افتادن کبریت در انبار باروت است. با توجه به منافع اسرائیل در گسترش جنگ منطقه‌ای و تأثیراتسی که به گفته تحلیلگران، بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تحولات مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری آن کشور تأثیر می‌گذارد، به نظر می‌رسد که کشورهای اروپایی در تلاش هستند تا تهران را از واکنش به این حمله منصرف کنند. توافقی تماس‌های تلفنی میان ایران و اروپا و تأکید رئیس‌جمهور بر حق ایران برای پاسخ به اسرائیل نشان‌دهنده گفت‌وگو درباره واکنش کشورمان، در جریان این تماس‌های تلفنی است.

تماسی از لندن

شامگاه دوشنبه، **کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا** طی تماسی با مسعود پزشکیان به گفت‌وگو و رایزنی پرداخت. به گزارش سایت ریاست‌جمهوری، پزشکیان در این گفت‌وگو سکوت مجامع بین‌المللی در قبال جنایات اسرائیل در غزه و اعمال تروریستی این رژیم در منطقه و همچنین حمایت

برخی کشورهای غربی از تل‌آویو را اقدامی مغایر با موازین بین‌المللی و غیرمسئولانه دانست که با تشویق رژیم اسرائیل به تداوم جنایات خود، صلح و امنیت منطقه و جهان را به خطر انداخته است. پزشکیان با بیان اینکه از نظر جمهوری اسلامی ایران جنگ در هیچ نقطه‌ای از جهان به نفع هیچ کشوری نیست، پاسخ تنبیهی به متجاوز از حق قانونی کشورها و راهکاری برای توقف جنایت و تجاوزگری دانست. رئیس‌جمهور همچنین با استقبال از ارتقای سطح روابط دو کشور و نیز آغاز مذاکرات هسته‌ای، عمل به همه تعهدات از سوی طرفین را شرط موفقیت این گفت‌وگوها دانست.

استارمر نیز در این مکالمه ضمن تأکید بر ضرورت پایان جنگ غزه و آغاز سریع امداد‌رسانی به مردم این منطقه، مساعدت بیشتر ایران در این زمینه را خواستار شد. او با اعلام آمادگی کشورش برای گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید، ابراز امیدواری کرد که سفرای جدید دو کشور هر چه سریع‌تر مأموریت خود را آغاز کنند.

دفتر نخست‌وزیر بریتانیا جزئیات بیشتری از این مکالمه را منتشر کرد. براساس خبر منتشرشده در سایت رسمی دولت بریتانیا، «نخست‌وزیر گفت که عمیقاً از وضعیت منطقه نگران است و از همه طرف‌ها خواست تا تنش‌زدایی کنند و از رویارویی بیشتر منطقه‌ای خودداری کنند. نخست‌وزیر گفت که خطر جدی اشتباه محاسباتی وجود دارد و اکنون زمان آرامش و بررسی دقیق است. وی از ایران خواست از حمله به اسرائیل خودداری کند و افزود که جنگ به نفع هیچ‌کس نیست. نخست‌وزیر بر تعهد خود به آتش‌بس فوری، آزادی همه گروگان‌ها و افزایش کمک‌های بشردوستانه به غزه تأکید کرد. وی افزود: برای دستیابی به این نتایج باید تمرکز بر مذاکرات دیپلماتیک باشد.

